

خورشید بی غروب



محمد میانجی

فرد از بین جمع پنهان است و در صورت دوم شخص به طور ناشناس در جمع است اما چون او را نمی‌شناسند، تصور می‌کنند که غایب است.

۲- امکان وقوع

غیبت به هر دو صورت امکان‌پذیر است و بارها در طول تاریخ رخ داده است. از جمله می‌توان به غیبت حضرت ادریس صالح، موسی، ابراهیم، نوح، سلیمان علیهم‌السلام اشاره کرد. ملا محسن فیض کاشانی در این باره می‌نویسد: «بسیاری از پیامبران غیبت‌های طولانی و عمرهای دراز داشته‌اند...». شیخ صدوق نام بعضی از

کی‌رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را
کی‌بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من
با صد هزار دیده تماشا کنم تو را^۱

غیبت چیست؟

۱- معنای غیبت

غیبت به معنای پوشیده و مستور بودن است. هر گاه شخصی از بین جمع پنهان شود، واژه غیبت در مورد او به کار برده می‌شود. «الْغَيْبُ: كُلُّ مَا غَابَ عَنْكَ»^۲ پنهان ماندن فرد به دو صورت رخ می‌دهد: غیبت واقعی و غیبت ظاهری. در صورت اول جسم

سنت‌های پیامبران علیهم‌السلام (مثل) عمر طولانی و غیبت در موردش جاری می‌شود. تا دل‌هایی بخاطر طولانی بودن مدت غیبت سخت می‌شود و در اعتقاد به او، پا برجا نمی‌ماند مگر کسی که خداوند ایمان را در قلبش قرار داده و او را به روحی از خودش مؤید کرده باشد.»

در این حدیث نیز به غیبت پیامبران اشاره شده است و گویای این است که غیبت از سنت‌های الهی است.

مراحل غیبت

غیبت حضرت مهدی (عج) به دو مرحله: «صغری» و «کبری» تقسیم می‌شود، غیبت صغری از سال ۲۶۰ هـ ق (سال شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام) آغاز و در سال ۳۲۹ هـ ق پایان یافت و از آن پس غیبت کبری آغاز شد.

غیبت صغری ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز طول کشید و از نظر شعاع فراگیر نبود،^۹ بلکه کسانی (نواب خاص) بودند که با امام (عج) تماس مستقیم داشتند.^{۱۰}

لازم به ذکر است برخی آغاز غیبت صغری را از هنگام تولد امام

آنان را در کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمة» آورده است.^۳

درباره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌توان به تفسیر آیه کریمه: «وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّشْتُورًا»^۴ اشاره کرد که خداوند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در هنگام قرائت قرآن از چشم ابوسفیان، نضر بن حارث، ابو جهل، حمالة الحطب و ... پوشیده می‌داشت و آنان با این که از کنار حضرت می‌گذشتند، او را نمی‌دیدند.^۵

۳- غیبت حضرت مهدی (عج)

خبر غیبت حضرت مهدی (عج) از زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مسلمانان گوش‌زد می‌شد^۶ و ائمه علیهم‌السلام به آن، اهمیت ویژه‌ای می‌دادند. چنان که موضوع غیبت آن حضرت و ظهور وی مورد اتفاق مسلمانان قرار گرفته است.^۷ امام حسن عسکری علیه‌السلام هم در همین راستا اعلام فرمود:

«إِنَّ إِبْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ: بِالْتَّغْمِيرِ وَ الْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُوا الْقُلُوبَ لِطُولِ الْأَمَدِ وَ لَا يُسَبِّتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قَلْبِهِ الْأَيْمَانَ وَ آيَدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ»^۸ همانا فرزندانم همان قائم بعد از من است و اوست که

حضرت موسی معلوم نشد، مگر وقتی که خواستند، از هم جدا شوند.^{۱۲} برای درک لزوم غیبت باید ضرورت وجود امام درک شود.

چرا وجود امام ضروری است؟

آن گونه که گفتیم دلیل و حکمت غیبت تنها بعد از پایان آن روشن خواهد شد.

با این وصف می توان با طرح لزوم وجود امام توضیح داد که چه زمینه ها و مبانی ای منجر به غیبت امام و نه حذف او از میان مخلوقات می شود؟

۱- خدا فیاض است

همه هستی، از ذرات تا کهکشان ها تماماً به فعل خداوند تحقق یافته اند و خداوند همه را آفریده و هستی داده است. بنابراین هستی بخش (فیض تکوینی) خداست. همین طور خداوند بشر را از طریق تشریح قوانین و تعیین احکام به صراط مستقیم هدایت می کند (فیض تشریحی). خداوند هم خالق است هم رب.^{۱۳}

۲- واسطه برای فیض رسانی

می دانیم که عالم ما، جهان سبب است و هر چیزی براساس وسایط مخصوص خود وجود می یابد و دوام

زمان (عج) می دانند. با این فرض طول غیبت صغری ۷۵ سال خواهد شد. بعد از آن غیبت کبری آغاز شد که پایان آن نامشخص و از حیث شعاع فراگیر است.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمود: «حضرت قائم (عج) دو غیبت دارد: یکی طولانی و دیگری کوتاه».^{۱۱}

چرا غیبت؟

علت اصلی غیبت برای بشر پوشیده است چنان که عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «صاحب امر غیبتی دارد که ناچار از آن است، به طوری که اهل باطل در آن تردید می کنند. پرسیدم: «یابن رسول الله! چرا غیبت می کند؟» فرمود: «به علتی که به ما اجازه نداده اند آشکار کنیم.» پرسیدم: «حکمت آن چیست؟» فرمود: «همان حکمتی که در غیبت سفیران و حجت های پیش از او بوده است. حکمت غیبت ظاهر نمی شود، مگر بعد از آمدن خود او. چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی، کشتن بچه و تعمیر دیوار توسط خضر برای

وسيله و مجرا نیز پایدار است و امکان دوام مخلوقات بدون ولی الله امکان ندارد، پس تنها زمانی که جهان به پایان برسد، می توان نبود او را تصور کرد.

غیبت تنها گزینه ممکن

با توجه به آنچه یاد شد، در صورتی که حضور آخرین ولی خدا و واسطه فیض خدا در بین مخلوقات امکان پذیر نبود، چه باید کرد؟ اولین و ساده ترین پاسخ این است که او هم همانند دیگر پیامبران به طور طبیعی از بین مخلوقات حذف شود و به شهادت برسد، اما این فرض صحیح نیست زیرا با حذف امام، زمین بدون حجت و بدون واسطه و رابطه فیض می شود که مخالف خواست و اراده خداوند است. پاسخ دیگر این است که اگر امام امکان حضور در بین مخلوقات را نداشت، به طور ظاهری از دیده آنها پنهان شود. به این ترتیب هم مجرا و رابط فیض زنده می ماند و هم در برابر موانع حضور چاره ای اندیشیده می شود و این است معنای خورشید پشت ابر که در روایات آمده است.^{۱۴}

هر چند که غایب است آن گل ز چمن
از فیض وجود اوست گیتی گلشن

می آورد، در نظام حکیمانه پروردگار و ساینده برای این فیض رسانی برگزیده شده اند که اولیای خدا هستند. این اشخاص در هر دو زمینه (تکوینی و تشریحی) سبب فیض خدا هستند و خداوند «وجود بخشی» و «هدایت بخشی» را از طریق آنها به موجودات دیگر می دهد. لذا درباره پیامبر اکرم ﷺ (المفوض الیه دین الله) وارد شده است.

۳- قطع فیض با نبودن ولی الله

(واسطه)

اگر ارتباط بخشی بین خدا و خلق (در هستی بخشی و هدایت دهی) به هر دلیل از بین مخلوقات حذف شود، ارتباط نیز از بین می رود و فیض الهی، دیگر مجرای نزولش را از دست می دهد. این است معنای «لَوْ لَا الْحُجَّةَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛ اگر حجت خدا نباشد، زمین اهلس را فرو می برد».

۴- ولی الله تا آخر جهان باقی

است

خداوند طبق اراده خود مجرای برای ارتباط با مخلوقات در نظر گرفته است و تا موجودات هستند، این

هر چند که در ابر نهان باشد هست

از پرتو آفتاب، عالم روشن

یک نکته

با توجه به موضوع مجرای فیض بودن به این نتیجه می‌رسیم که غیبت حجت خدا، غیبت کلی نیست، بلکه این عدم حضور جزئی است؛ یعنی، غیبت عدم حضور در یک شأن از شئون ولایتی است و آن معاشرت با مردم و هدایت مستقیم اجتماع بشری و تشکیل حکومت اسلامی است.

اما در شئون دیگر حاضر و فعال است. پس غیبت در همه شئون برای ولی خدا و خلیفه او معنا نخواهد داشت. لذا در یکی از زیارت‌های امام عصر می‌خوانیم: «السلام علیک یا حجة الله التي لا تخفی».

موانع حضور

بی‌گمان با مطالعه مطالب قبل این سؤال پیش می‌آید که آیا به راستی موانعی برای ادامه حضور امام در جامعه وجود داشت؟ آن موانع چه بود؟ آیا هنوز هم موانع استمرار دارد؟ چه زمان برطرف خواهد شد؟ و ...

مراجعه به تاریخ نشان می‌دهد که موانعی برای حضور حضرت بود. از

قبیل:

۱- تهدید و اقدامات زورمندان

علیه امام

۲- نداشتن یار و یاور و قدرت

مردمی لازم

۳- نبود آمادگی و رشد کافی در

مردم برای تحمل اصلاحات وی و ...

که تاکنون نیز این موانع به قوت خود باقی است.

۱- تهدیدها و ترس از مرگ

زراره می‌گوید: امام صادق علیه السلام

فرمود: برای قائم پیش از آن که قیام

کند، غیبتی است. عرض کردم برای

چه؟ فرمود: برای آن که از کشته شدن

بیم دارد. ۱۵

این مسأله یعنی، احتمال قتل، هم

با حدوث غیبت و هم با بقا و استمرار

آن ارتباط دارد.

در مورد اول کافی است بدانیم

بنی عباس چون می‌دانستند در خاندان

پیغمبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان علی و

فاطمه علیها السلام شخصیتی پیدا خواهد شد

که حکومت جباران و مستبدان به

دست او برچیده می‌شود و او فرزند

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است،

در مقام کشتنش برآمدند؛ همانطور که

فرعون نسبت به حضرت موسی علیه السلام رفتار کرد. ولی به خواست خداوند آن حضرت محفوظ ماند و بر حسب ظاهر جنگ‌های داخلی و شورش صاحب الزنج، آن‌ها را از تعقیب این موضوع بازداشت.^{۱۶}

شیخ طوسی به این حقیقت تصریح و تأکید دارد: او می‌نویسد: «هیچ علتی مانع از ظهور آن حضرت نیست جز این که می‌ترسد کشته شود؛ زیرا اگر جز این بود، جایز نبود که پنهان شود. بلکه ظاهر می‌گشت و هرگونه ناراحتی و آزاری را متحمل می‌شد؛ زیرا مقام رفیع امامان و انبیای عظام و بزرگواری آن‌ها به واسطه ناملایماتی بود که در راه دین خدا متحمل می‌شدند.»^{۱۷}

متأسفانه گاه این تهدیدها از سوی نزدیک‌ترین اشخاص به حضرت بود، از جمله آن‌ها: جعفر کذاب، عموی امام، بود. بعد از آن که امام علیه السلام در جریان نمازگزاردن بر امام حسن عسکری علیه السلام جعفر کذاب را عقب زد و خود نماز را بر پدرش اقامه فرمود ...، جعفر نزد معتمد خلیفه رفت و واقعه

را به او شرح داد.

امادر مورد دوم؛ یعنی، نقش ترس از کشته شدن و تهدیدها در استمرار غیبت به فرازی کوتاه از کتاب امامت و مهدویت اشاره می‌کنیم: «بیان ارتباط بقای غیبت با خوف از قتل این است که اگر چه خداوند متعال قادر است در هر زمان آن حضرت را ظاهر و به طور قهر و غلبه بر تمام ملل و حکومت‌ها (پیش از فراهم شدن اسباب) غالب سازد ولی چون جریان این جهان را خداوند بر مجرای اسباب و مسببات قرار داده، تا اسباب چنان ظهوری فراهم نشود، قیام آن حضرت به تاخیر خواهد افتاد و اگر پیش از فراهم شدن اسباب و مقدمات ظاهر شود، از خطر قتل مصون نخواهد ماند.»^{۱۸}

۲- نداشتن یار و یاور

چنانچه امام در برابر تهدیدها و اقدامات سبوعانه خلفا و دشمنان از ابزار حمایت مردمی برخوردار بود، بی گمان دست به قیام می‌زد و خلفا را ساقط می‌نمود ولی واقعیت چنین نبود و مردم تحت فشار نمی‌توانستند از امام دفاع کنند و یا به دلیل مطامع و

خواهش‌های نفسانی از وی اطاعت نمی‌کردند.

محقق طوسی می‌نویسد: «همان‌طور که دانستی، سبب غیبت نمی‌تواند از سوی خدای سبحان و خود امام باشد، بلکه از مکلف‌ها (مردم) است و آن خوف غالب و تمکین نداشتن مردم از امام است و هر موقع این سبب زایل شود، ظهور واجب می‌شود.»^{۱۹}

بنابراین اگر مردم به یاری او می‌شنافتند و از او امرش اطاعت می‌کردند، زمینه‌ای برای غیبت نمی‌ماند و امام به دست همان مردم، برای همان مردم حکومت اسلامی ایجاد می‌کرد. ولی چنین نشد و آن مردم (اعم از قدرتمندان و توده‌ها) حاضر به قبول رهبری او نشدند. محقق طوسی در این باره در تجرید الاعتقاد، می‌نویسد: «اصل وجود امام لطف و تصرف او لطف دیگر است، اما نبودنش از ماست.»

۳- آماده نبودن ملت‌ها

در حقیقت ریشه علل یاد شده به این موضوع منتهی می‌شود و این آمادگی به مرور زمان به دست خواهد

آمد. آن وقت است که دیگر موانع، معنایی نخواهند داشت. می‌دانیم که امام زمان (عج) به دنبال یک اصلاح همه‌جانبه و قاطع است و تمام انحرافات را تصحیح می‌کند. هر آنچه را که دشمنان دین سامان داده‌اند، باطل می‌کند؛ احکام متروک اسلام را زنده می‌سازد؛ به دین مهجور رسمیت می‌دهد؛ صاحب منصب‌ها و کارگزاران را شدیداً مواخذه می‌کند؛ با اهل گناه و ظلم هیچ نوع سازشی نشان نمی‌دهد؛ حکومت جهانی اسلامی تشکیل می‌دهد و در یک کلام در هیچ جنبه از اصلاحات خود مسامحه نخواهد کرد و براساس حقایق، عمل کرده، از روی ظواهر حکم نخواهد داد، روشن است که تحمل چنین حکومت اصلاحگری، فکر و اندیشه‌ای والا می‌خواهد. اگر امام بدون ایجاد چنین آمادگی اجتماعی، روانی بخواهد انقلابی اصلاحگر به راه اندازد، همان بلایی بر سرش می‌آید که بر سر شهید اصلاحات، امیر مؤمنان علیه السلام آمد. و حکمت خدا چنین سرنوشتی را برای آخرین امام نمی‌خواهد. بنابراین

نشود و بدکاران بازخواست نشوند؛ مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند؛ افراد با ایمان سکوت کرده و سخنشان را نپذیرند؛ شخصی بدکار دروغ گوید و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی‌کند؛ بچه‌ها به بزرگ‌ها احترام نمی‌گذارند؛ قطع پیوند خویشاوندی می‌شود؛ بدکار راستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد؛ نوجوانان پسر همان کنند که زنان کنند؛ زنان با زنان ازدواج کنند؛ انسان‌ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف کنند و کسی مانع نشود؛ کسی که امر به معروف کند، خوار و ذلیل می‌شود؛ بدعت و زنا آشکار می‌شود؛ حلال حرام و حرام حلال می‌شود؛ دین براساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکام آن تعطیل گردد؛ جرات بر گناه آشکار شود و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نشود؛ سردمداران به کافران نزدیک و از نیکوکاران دور شوند؛ والیان در قضاوت رشوه بگیرند؛ پست‌های مهم والیان براساس مزایده باشد نه شایستگی؛ مرد به خاطر

تا ایجاد چنین شرایطی امام (عج) ظهور نخواهند کرد.

این آمادگی چگونه ایجاد خواهد شد؟ هرگاه ملل جهان بفهمند هیئت‌های حاکم از عهده اداره امور برنمی‌آیند و فساد در همه مظاهرش آنان را به ستوه آورده است آن‌گاه است که مردم به ستوه آمده به دنبال جهانی خالی از ظلم و فساد و مملو از عدل و انصاف سرخواهند آمد و حاضر خواهند شد برای چنین اصلاحی هزینه لازم را پردازند. از این رو است که می‌بینیم در دوره غیبت چنین ناهنجاری‌ها رخ می‌دهد. تنها به یک روایت از امام صادق علیه السلام درباره هجوم این مظاهر می‌پردازیم: امام به یکی از یارانش در مورد هجوم مظاهر فساد در این دوره فرمود: «حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند؛ ظلم و ستم فراگیر شود؛ قرآن فرسوده و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در آن وارد شود؛ دین خدا تو خالی شود، همانند ظرفی که واژگون شود؛ طرفداران و اهل باطل بر اهل حق مقدم شوند؛ کارهای بد آشکار و از آن‌ها نهی

و آن‌ها که به آخرت ایمان نمی‌آورند، حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم:

۵- تفسیر مجمع‌البیان، مجلد ۳، ص ۶۴۵. نمونه دیگر مربوط به شب هجرت به مدینه است. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۹۵.

۶- سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می‌رسد، غایب می‌شود. به طوری که بیشتر مردم می‌گویند خدا به آل محمد احتیاجی ندارد و دیگران در اصل تولدش شک می‌کنند... اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۸۶.

۷- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۵۲۵؛ منتخب الاثر، ص ۳-۵.

۸- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۴۴.

۹- خورشید مغرب، ص ۴۳.

۱۰- ۱- عثمان بن سعید خدری تا سال ۳۰۰ هـ ق

۲- محمد بن عثمان تا سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ هـ ق

۳- حسین بن روح نوبختی تا سال ۳۲۶ هـ ق - و علی بن محمد سمري تا سال ۳۲۹ هـ ق.

۱۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵.

۱۲- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۴۸۲.

۱۳- خورشید مغرب، ص ۱۸۰.

۱۴- نهج‌البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۵۰، ص ۲۰۸،

وَأَذَى نَعْتَبِي بِالنَّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيْعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيْعُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالسَّمْسِ وَإِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۱۷۰ و از زبان امام زمان، کمال‌الدین، ص ۴۸۵.

۱۵- کمال‌الدین، ص ۳۴۲.

۱۶- امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۱۳۴.

۱۷- مهدی موعود، ترجمه و نگارش علی دوانی، ص ۸۵۲.

۱۸- امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۱۳۶.

۱۹- همان، ص ۱۴۹، نقل از رساله امامت طوسی، چاپ ۱۳۳۵ تهران، فصل ۳، ص ۲۵.

۲۰- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۰ از ۱۰۸ مورد تنها ۳۲ مورد نقل شد.

همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد؛ زن بر شوهر خود مسلط شود و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست انجام دهد و به شوهرش خرجی دهد؛ نزدیکترین اشخاص به فرمانداران کسانی هستند که به خانواده عصمت ناسزا گویند؛ سلطان به خاطر کافر شخص مومن را تحقیر کند؛ نماز را سبک بشمارند؛ بر سر کسب‌های حرام آشکارا رقابت کنند؛ مردم جز از سرمایه‌دارها تبعیت نکنند؛ زن‌ها بر مسند نشینند و هیچ‌کاری جز خواسته آن‌ها پیش نرود و فرمانروایان میراث مستضعفان را در اختیار بدکاران قرار دهند...»^{۲۰}

آری تنها بعد از سرخوردگی ملت‌ها از این پلیدی‌هاست که آمادگی در آن‌ها ایجاد شده و زمینه حضور فراهم می‌آید.

پی‌نوشت‌ها:

۱- خوشه‌های طلایی، محمد علی مجاهدی، ص ۳۳ (فروغی بسطامی).

۲- الصحاح، جوهری، ج ۱، ص ۱۹۶.

۳- علم‌الباقین فی اصول‌الدین، ج ۲، چاپ قم، ص ۷۹۷؛ خورشید مغرب، ص ۱۷۰.

۴- اسراء/ ۴۵- «و هنگامی که قرآن می‌خوانی، میان تو